

## گزارش نشست «فرهنگ و فراغت، آسیب شناسی الگوهای فراغتی در ایران»

نشست «فرهنگ و فراغت، آسیب شناسی الگوهای فراغتی در ایران» در تاریخ هشت مرداد ۱۴۰۳، از ساعت ۱۶ تا ۱۸ به همت اندیشکده حکمروایی فرهنگی (حرف) ذیل پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف و با همکاری خانه اندیشه‌ورزان، با حضور چهره‌های برجسته علمی و اجرایی برگزار شد.

### سخنرانان

محمد سعید ذکایی - جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

جبار رحمانی - انسان‌شناس و عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی

مسعود حسنلو - پژوهشگر حوزه فراغت و دبیر ستاد توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری

### دبیر نشست

زهرا اکبری، پژوهشگر اندیشکده حکمروایی فرهنگی (حرف) پژوهشکده سیاست‌گذاری شریف



در ابتدا، دبیر نشست ضمن معرفی مهمانان و سخنرانان، به بیان چکیده‌ای از عناوین مورد بحث در نشست و توضیحاتی درباره موضوع اصلی، «فراغت»، پرداخت: «پیداست ما در وهله اول در جستجوی این هستیم که مهمترین عوامل شکل‌دهنده یا الگوهای تعیین بخش گذران اوقات فراغت در ایران چه عواملی هستند و به نوعی به چگونگی مناسبات بین فرهنگ و فراغت بپردازیم. اما مرکز ثقل گفتگوی امروز آسیب‌شناسی الگوهای فراغتی در ایران به ویژه برای جوانان است. جامعه ایران طی سال‌های اخیر شاهد تحولات و تغییرات بنیادین بسیاری بوده و انواع جدیدی از فراغت به فراخور این تحولات شکل گرفته که می‌توانیم آن‌ها را «فراغت دیجیتال» یا «فراغت مجازی» نام‌گذاری کنیم. ما تا اینجا در واقع سعی می‌کنیم از منظر جامعه‌شناسی به موضوع نگاه کنیم اما در مرحله بعد به دنبال پاسخگویی به این سوال هستیم که آیا اساساً ادبیات سیاست‌گذاری فراغت در ایران شکل گرفته است؟ آیا فراغت در سطح سیاست‌گذاری تبدیل به مسئله شده یا خیر؟

اما اگر اجازه بدهید قبل از رسیدن به بحث، مقدمه‌ای از مفهوم مدرن، به زغم بسیاری از نظریه‌پردازان اجتماعی، سهل و ممتنع فراغت ارائه دهیم. اساساً موضوع فراغت به واسطه اینکه یک انتخاب آزادانه، جهت‌دار و ورای امور عادی در روزمره افراد هست، مفهوم سهلی در نظر گرفته می‌شود اما از جهت درونی بودن، نسبی بودن و فرا رفتن

از یک حالت محض، مفهومی ممتنع تلقی می‌شود. شاید کامل‌ترین تعریف از مفهوم فراغت، تعریف کاپلان، جامعه‌شناس آمریکایی، پژوهشگر و نظریه‌پرداز حوزه فراغت و فرهنگ عامه است که در کتاب خود به عنوان «فراغت در آمریکا» فراغت را شماری از مشغولیت‌هایی می‌داند که فرد آزادانه و به اختیار خود برای استراحت، تفویض، سرگرمی و افزودن به دانش و مهارت‌های خودش به کار می‌گیرد و به نوعی در نهایت منجر به رضایت درونی فرد می‌شود. همین تعریف کاپلان از فراغت بعدها بستری را فراهم کرد تا ما به دسته‌بندی نسبتاً نوینی از فراغت به عنوان «فراغت فعالانه» برسیم؛ یعنی فراغت به مثابه فعالیت؛ مثل رفتن به کنسرت، رفتن به تئاتر، سینما، شهربازی، باشگاه ورزشی و «فراغت منفعلانه» به معنای فراغت به مثابه بازمانده زمان و فرصت است. ما می‌توانیم مصادیق آن را در استراحت کردن، معاشرت با دوستان و خانواده، پرسه‌زدن و موارد دیگر ببینیم.

حوزه فراغت دارای پیشینه نسبتاً قوی در سنت نظریه‌پردازی اجتماعی است. ما شاهد این هستیم که این مفهوم، از نظریه طبقه مارکس در نظام سرمایه‌داری تا بعدها نظریه سرمایه اجتماعی بوردیو و نظریه طبقه تن‌آسای وبلن توسعه و نشر پیدا کرده و در پیوند وثیقی با مفاهیمی چون آگاهی طبقاتی، سبک زندگی، هویت اجتماعی و مصرف فرهنگی قرار گرفته است تا جایی که بوردیو معتقد است که حوزه فراغت اصلی‌ترین حوزه تحلیل‌های سبک زندگی است و افراد به واسطه گذران اوقات فراغت به نوعی هویتشان را بازنمایی می‌کنند و سبک زندگی خود را به نمایش می‌گذارند. سوالی که پیش می‌آید این است که وضعیت فراغت در ایران چگونه است؟

اگر ما مدت زمان فراغت را یکی از سنجه‌ها و شاخص‌های اصلی در وضعیت فراغت، دست کم به لحاظ کمی، در نظر بگیریم مجموع پیمایش‌های انجام‌شده در ایران اعم از پیمایش مصرف کالاهای فرهنگی، پیمایش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران و پیمایش‌هایی که هر ساله توسط مرکز آمار انجام می‌شود، حاکی از آن است که میانگین مدت زمان فراغت افراد در هفته بین دو تا چهار ساعت در نوسان است. البته باید این نکته را در نظر گرفت که به لحاظ روش‌شناختی این پیمایش‌ها متفاوت هستند، در سال‌های مختلفی انجام شدند و حتی در تعریف فراغت هم متفاوت عمل کردند. بعضاً بعد منفعلانه فراغت که هم‌معنا با استراحت است کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

حال اگر به بعد فعالانه فراغت نگاه کنیم و تفریح و سرگرمی را یکی از انواع فراغت تلقی کنیم، با اتکا به متغیر اقتصادی، براساس پژوهش «هزینه‌کرد فرهنگی ایرانیان»، در سال ۱۴۰۱ به طور میانگین هر خانوار ایرانی تنها ۱۵۰ هزار تومان برای تفریح و سرگرمی هزینه کرده است و این رقم از ۰.۲ درصد در سال ۱۳۹۶ به ۰.۱ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده و تقریباً نصف شده است. مجموع برآوردهای ما نشان می‌دهد که هزینه‌کرد فرهنگی خانوار ایرانی افت کرده و در واقع از ۱۱ درصد در سال ۱۳۹۶ به نه درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده؛ این نشان می‌دهد که

سبد فرهنگی خانوار ما کوچک شده است. قاعدتا موضوع تفریح و سرگرمی از این قاعده کلی مستثنا نیست. اینجاست که اگر بوردیویی به موضوع بنگریم درمی‌یابیم که فراغت به شکل تغییر ناپذیری طبق منطق ساختاری عمل می‌کند.

با این مقدمه قصد دارم، از جناب آقای دکتر محمد سعید ذکایی سوالی را پیرامون مهم‌ترین عوامل شکل دهنده به الگوهای فراغتی در جامعه ایران بیرسم. آقای دکتر در کتابشان با عنوان "فراغت، مصرف و جامعه" که در سال ۱۳۹۳ منتشر شده و کتابی که ترجمه کردند با عنوان "مفاهیم کلیدی در مطالعات فراغت" از آقای هریس، به مهم‌ترین عوامل شکل دهنده حوزه فراغت پرداختند. اما سؤال بنده این هست که در حال حاضر به نظر شما مهم‌ترین عوامل شکل دهنده به الگوهای فراغتی در جامعه ایران چیست؟»

- **ذکایی:** این مباحث معمولا در تابستان، زمان تعطیلی مدارس، مطرح می‌شود. ساختار و عاملیت، بازیگرهای میدان فراغت هستند. فراغت در متن تاریخی، موقعیت و وضعیت خود ساخته شده است. امروز جامعه ایرانی با چند سال پیش فرق کرده است. اگر با یک تفسیر مکانیکی فراغت را برشی از فرهنگ در نظر بگیریم، همان پوست اندازی‌ها، تغییرات و استحاله‌هایی که مفهوم فرهنگ در کلیت خودش تجربه می‌کند، درباره فراغت هم صادق است. در بحث ساختار، عامل اقتصاد اولویت ماست. فضا، مکان و موقعیت جغرافیایی هم مهم است. فراغت تهرانی با شهرستانی متفاوت است. گفتمان‌های سیاسی در تعیین مرزهای فراغت مشروع و نامشروع تاثیر گذارند. در جامعه ایرانی عنصر دین بازیگر مهمی است و به عنوان برشی از فرهنگ، عملا انتخاب‌ها، الگوها، سبک‌ها و الگوهای مارا مقید می‌کند. شرایط اقتصادی، اقتصاد عاطفی ما را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. چرخه‌های گذار بر انتخاب‌های فراغتی تاثیرگذار است. تشکیل خانواده و ازدواج دیرتر منجر به جوانی گسترده‌تری می‌شود و بر اوقات فراغت موثر است. خانواده‌های پنج شش نفری جای خودش را به خانواده‌های زن و شوهری نهایتا با یک یا دو فرزند داده است. وقتی ورود به بازار کار با بحران مواجه شود، بر تجربه اوقات فراغت اثر می‌گذارد. بحث امتداد پیدا کردن تحصیلات عالی بر تجربه فراغت اثرگذار است. تمام این مثال‌ها را زمانی که می‌گوییم گذار با بحران مواجه می‌شود، یعنی یا تغییر پیدا می‌کند یا قابل پیش‌بینی نیست یا غیر خطی و غیر استاندارد است، می‌توان در نظر داشت. جامعه ایرانی میل به نظم و پیش‌بینی، هدایت و سازماندهی فراغت به طور سیستماتیک ندارد. شکاف بین دسترسی‌ها، بر خورداری‌ها و نابرابری‌ها، الگوهای فراغتی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. برای طیف کثیری از جامعه ایرانی کمیابی، محدودیت و تنگنا، این الگوها را به الگوهای روزمره تسری می‌دهد. طبق پیمایشی که پژوهشگاه وزارت فرهنگ، هنر و ارتباطات در یک نمونه یازده هزارو پانصدتایی انجام داده است، ۶۰ درصد نوجوانان ۹ تا ۱۷ سال، سه ساعت و بیشتر در روز از اینترنت استفاده می‌کنند. بیش از ۵۰ درصد گفته‌اند که گوشی مستقل دارند.

در باقی افراد جامعه با طیف‌های سنی بالاتر هم مشاهده می‌کنیم که کارگرها و کارمندان خسته از کار روزانه تمام روزمرگی‌هایشان، از جمله ترس‌ها، خاطره‌بازی‌ها، نوستالژی‌ها، خوشحالی‌ها، غیبت‌کردن‌ها و سرکشی‌کردن‌هایشان، را در دریچه گوشی تجربه می‌کنند و اقتصاد عاطفی طیف گسترده‌ای از جامعه ایرانی در دریچه فضای دیجیتال درحال رقم خوردن است. وضعیتی که امروز در جامعه با آن مواجه هستیم یک وضعیت آشفته هست. ساده بگوییم، این آشفتگی به این دلیل است که، هر فرد درحال انجام کارهای خودش است؛ اگر این امکان را داشته‌باشد برای خود و خانواده‌اش، سرگرمی، تفریحات سالم، گردش و سفر مهیا می‌کند. اگر هم امکان فراهم کردن این موارد را نداشته باشد غبطه می‌خورد. مجموعه‌ای از الگوهای تاریخی و ساده هم وجود دارند که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد؛ برای مثال اهل معاشرت بودن. این رسومات در جامعه ایرانی باقی مانده و مایه امیدواریست. اما بطور کلی مقوله فراغت یک مقوله مغفول و فراموش شده به شمار می‌رود. تجویزی که مردم برای خودشان به کار می‌برند این است که کار خودشان را کنند و در انتظار این نمانند که دانشگاه و یا مدرسه برایشان برنامه‌ریزی می‌کند یا خیر.»

- **دبیر نشست:** «در سطح کلان‌تر، به نظر شما مناسبات بین فرهنگ و فراغت در ایران از دیرباز تاکنون چطور شکل گرفته است؟»

- **رحمانی:** «اینکه فراغت را یک متغیر وابسته ببینیم یا یک متغیر مستقل نتایج متفاوتی دارد. عواملی که بر فراغت اثر می‌گذارند یا پیامدهای الگوهای فراغتی نکات خاص دیگری را مطرح می‌کنند. بحث اصلی که درباره فراغت وجود دارد، رها، دلبخواهانه و لذت‌بخش بودن آن است. یک فرد ممکن است در فراغتش بستنی بخورد، ساز بزند یا رمان بخواند. مسئله این است که من خودم انتخاب می‌کنم و همین انتخاب کردن است که اهمیت دارد. ما باید بین بیکار بودن و فراغت تمایز قائل شویم. مثلاً وقتی ما کودکی را که کاری برای انجام دادن نداشته باشد در یک کلاس آموزشی ثبت نام می‌کنیم، مفهوم فراغت به صورت الگوی تخصصی مطرح نیست. چون کودک انتخاب نمی‌کند و کلاس به او تحمیل می‌شود. جنبه اقتصادی نیز مهم است. اینجا بحث این است که افراد پولدار چه می‌کنند. این مسئله دقیقاً گلوگاه فراغت در ایران است.»

پیمایش‌ها نشان می‌دهد الگوی فراغت ما خانگی است. غیر از چند ده یازده درصدی که به سینما و تئاتر می‌روند، باقی افراد تمایل دارند فراغت خود را در اندرونی، سپری کنند. استدلالشان این است که اگر در اندرونی و داخل خانه باشیم راحت هستیم. پشتوانه این استدلال نوع تفریحات ماست. ما در اندرونی می‌توانیم یک فضای امن داشته باشیم ولی در فضای بیرونی نمی‌توانیم.

چالشی که در ایران وجود دارد "فضای فراغتی" است؛ یعنی ما «کجا» می‌توانیم به فراغت پردازیم. باید این الگو که اغلب افراد خواهان فضای اندرونی هستند را مورد بررسی قرار داد. در ایران الگوهای فراغتی ما که مربوط به بیرون از خانه است روز محور و خانواده‌محور است و چهارچوب خاصی دارد. سال‌هاست تهران مناقشه حیات شبانه دارد یعنی برای افرادی که دوست دارند در شب زندگی و فعالیت کنند جا و امکاناتی فراهم نیست.

طرحی که ما در حال اجرای آن در حوزه فراغت هستیم باعث شده است که با چالش‌های بنیادینی در الگوی سیاستگذاری فضای فراغت روبرو شویم. ما در کشور یک الگوی رسمی داریم که برای فراغت یک مفهوم فرهیخته و تعالی بخش قائل است؛ یعنی افراد در فراغتشان کاری انجام دهند که متعالی و معنوی شوند. این پیش‌زمینه قشر مذهبی حاکم هست. همین الگو مبنای سیاستگذاری رسمی ما نیز شده است. براساس این الگو افراد حق ندارند کاری که اصطلاحاً لهو و لعب است انجام دهند. برای مثال رفتن دختران و پسران به کافه یک نوع جرم تلقی می‌شود و فراغت نیست. این جرم‌انگاری که در ساختار فراغتی ما رخ می‌دهد ناشی از همان پیش‌زمینه مذهبی است.

فضای فراغتی دلخواه اکثر افراد جامعه ما، فرهنگ غیررسمی و متفاوتی می‌طلبد؛ این لزوماً به معنی هنجار شکنی نیست. بخشی از این فراغت‌ها می‌تواند هنجارشکنانه باشد؛ برای مثال گروهی یک پارتی برگزار کنند اما بخش زیادی از آن خانوادگی و سالم است. البته بخشی که ما آن را «هنجار شکنانه» می‌نامیم، در مقایسه با فرهنگ رسمی اینطور به نظر می‌آید.

فراغت در دهه‌های اخیر مجبور شده است که به اندرونی‌ها پناه ببرد؛ فضاهای خصوصی مثل ماشین‌ها و ویلاها و خانه‌ها. ویژگی این فضاهای خصوصی این است که فارغ از نظارت دستگاه رسمی هستند. از مهم‌ترین پیامدها و ویژگی‌های این مدل، ویلاسازی‌هاست. افراد متمول به ساختن خانه و ویلا برای خود در اطراف شهر می‌پردازند. این افراد از لحاظ فرهنگی به اصطلاح «چهاردیواری، اختیاری» معتقد هستند. از آسیب‌هایی که این ویلاسازی‌ها دارند این است که بخش عظیمی از ذخیره اکولوژیک ما صرف ویلاسازی می‌شود. همچنین مصرف آب، برق و گاز بالا می‌رود.

فراغت در ایران به یک جرم تبدیل شده؛ مثلاً وقتی که افراد برنامه‌هایی را در اینترنت استفاده می‌کنند که با فیلترشکن باز می‌شوند، جرم به حساب می‌آید. هر کشوری، فرضاً در آسیای میانه، را تصور کنیم اگر شهروندی متمول باشد، برای گذران اوقات فراغت آخر هفته‌اش جا و فضا وجود دارد. نسل جدید نمی‌تواند اوقات فراغت‌ش را در فضای آزاد بگذراند؛ بنابراین به فضای مجازی می‌رود. سبک زندگی نسبت به قبل فرق کرده است. فراغت و کار

خلاقانه شرایط آشفته‌ای دارد. فقیر یا ثروتمند هیچکدام به علت محدودیت‌ها نمی‌توانند از فراغتشان لذت ببرند، چون هرکار آن‌ها جرم محسوب می‌شود. در هر حال سیاستگذار مسئول پرکردن خلاء آدم هاست تا در نهایت فرد بتواند در فراغتش احساس رشد داشته‌باشد.»



- **دبیر نشست:** «با توجه به موضوعاتی که به آن‌ها اشاره کردید، ما از فراغت انتظار پیامد قدسی داریم. همچنین به دلیل وجود سیاست‌های مخرب، جرم‌انگاری فراغت و محدود کردن فضاها که باعث محدود شدن فرد می‌شوند، وضعیت متناقضی به وجود آمده است. در نتیجه انسان از عرصه اجتماع به تنهایی پناه می‌برد. حتی در خانواده هم ممکن است تناقضاتی وجود داشته باشد. این تناقضات می‌تواند به واسطه شکاف نسلی یا گذاری که خانواده (از گسترده به هسته‌ای) پشت سر گذاشته، باشد. حال تحولاتی که خانواده ایرانی تجربه کرده است بر الگوهای فراغتی نسل جوان چه مقدار مؤثر است؟»

- **رحمانی:** «من از واژه شکاف نسلی استفاده نمی‌کنم. ما به هر صورت تحولات نسلی را داریم. در اکثر مواقع افراد با این تحولات کنار آمده‌اند. اما نکته‌ای که وجود دارد این است که افراد دوست دارند با هم سن و سالان خودشان وقت بگذرانند. مثلاً دانشجو دوست دارد با دانشجویان همراه باشد اما حتی اردوی دانشجویی هم وجود ندارد. درست است که بخشی از اوقات فراغت شخص با خانواده است اما بخشی دیگر آن جستجوی امر جدید به همراه

هم نسلان اوست. نسل جدید دارای مجموعه‌ای از الگوهای فراغتی است که نمی‌تواند آن را محقق کند. بنابراین مسئله فقط شکاف نسلی نیست بلکه امکان‌هایی است که فرد می‌تواند آن‌ها را تجربه کند.»

- **دبیر نشست:** «مباحث خوبی مطرح شد. قصد من این است که در ادامه بیشتر به بحث سیاستگذاری اوقات فراغت بپردازیم. به نظر شما نقش نظام حکمرانی و نهادها در شکل‌دهی گذران اوقات فراغت چیست؟»

- **حسنلو:** «فراغت هم جنبه مستحب دارد و هم جنبه واجب. جنبه واجب را حاکمیت از طریق کتاب درسی به افراد آموزش می‌دهد. جنبه مستحب باید در فضای سرگرمی و بازی باشد. زیرساخت فقهی به عنوان یک زمین بازی برای سیاستگذار در نظر گرفته می‌شود تا در الگوی رسمی و غیررسمی توسط سیاستگذار ایجاد شود. سیاستگذار باید دارای ابزار شناختی کامل باشد تا ساختار و زیر ساخت جدید ایجاد کند؛ مثل اتاق فرار که بسیار رواج پیدا کرده است. سیاستگذاری زیرساختی در فهم مقوله فراغت دچار مشکل است. وقتی که در فرهنگ عرب از فراغت صحبت می‌کنیم، یک مفهوم مذموم و حداقل دارای بار ارزشی و اجتماعی پایین هست. در این فضاست که ما حتی در قرآن هم تعبیر لهو لعب را داریم اما الزاماً به معنای مصطلح در ادبیات عرب نبوده و نسبت به اخروی بودن آن مفهومی مطرح می‌شود. وقتی که در فارسی از سرگرمی صحبت می‌کنیم، این لغت از یک ریشه اجتماعی از امر عبث می‌آید؛ در گذشته سرگرم شدن در مصرف مسکرات را سرگرمی می‌نامیدند و این لفظ اکنون رواج پیدا کرده است. بازی، از مفهوم بازیدن یا باختن در قمار می‌آید. حتی اگر از لحاظ زبان‌شناسی هم به این کلمه بنگریم اصلاً قابل مقایسه با مفهوم گیم در ادبیات انگلیسی نیست. بزرگترین مسئله این است که سیاستگذار در تصویرسازی در حوزه فراغت ناتوان بوده. ما چند محیط متمایز برای تفریح و گذران اوقات فراغت در تهران داریم. مثلاً اراضی عباس آباد، بوستان آب و آتش. هنگامی که این مکان‌ها افتتاح می‌شوند، نگاه مردم به محیط برای گذران وقت تغییر می‌کند.

بحث مباح، مستحب و واجب هم در فضای فراغت وجود دارند. از یک طرف در بسط و انتقال ابزار خارجی محدودیت ایجاد کرده‌ایم مثلاً در ورود ماهواره. همچنین در مواجهه با ساختارها و بسترهای جدید نیز خط قرمزهایی در نظر گرفته‌ایم. ما هیچ بستر جدیدی خلق نکردیم. تا وقتی که زیرساخت‌های حداقل فقه این حوزه توسعه جدید پیدا نکنند سیاستگذار جرات ساختار شکنی در حوزه فراغت را نخواهد داشت.»

- **دبیر نشست:** «با نگرش آسیب‌شناسانه، نگرش شما نسبت به الگوی فراغت در ایران به‌ویژه درباره جوانان چیست؟»



- **ذکایی:** «در بحث فراغت تداخل‌هایی وجود دارد. یک سری بلا تکلیفی‌هایی در مسیر هستند که باعث ایجاد دردسر در حوزه فراغت می‌شوند. باید در این حوزه جسارت و شجاعت به خرج داد و تمرکز داشت. برای مثال باید اشتغال فراغتی در جامعه شکل بگیرد و سواد فراغتی به‌ویژه در مدارس گسترش پیدا کند. همچنین باید از ظرفیت‌های فرهنگی خود برای ایجاد بازی، داستان و موارد دیگر استفاده کنیم. نیاز است که اجتماعاتی شکل بگیرند و سنت‌های قدیمی ما مجدد احیاء و بازنگری شوند. همدلی و همگرایی در جامعه نیازمند افزایش است. فراغت دارای تنوع است مثل ورزش و هنر و مهارت‌های جدید. باید فراغت را در سطوح مختلف در نظر گرفت؛ سطوح ملی، سطوح استانی. فضای مفهومی فراغت امروز متفاوت است؛ مثل قصه دیجیتال. دیجیتال تجربه‌ای متفاوت دارد که قبلاً قابل تصور نبود. برای نسل جدید زمینه باز نیست و تاکنون برای فراغت جوانان اصطلاحاً دست به عصا راه رفته‌ایم. اوایل دهه شصت کارکرد مساجد برای فراغت جوانان مدل رفاهی بود. به طور مثال طبقه پایین مساجد، سالن ورزشی بود. برای اوقات فراغت در عصر حاضر باید بیشتر تقاضامحور باشیم تا عرضه محور. به عنوان یک فرد ایرانی باید از شادی دیگران شاد باشیم. باید به سیاستگذاری فراغتی نگاه سیستمیک داشت. در مدارس باید استعدادیابی صورت بگیرد. به بخش غیر دولتی توجه بیشتری شود. باید به کارهای داوطلبانه مثل هنر و ورزش توجه بیشتری داشته باشیم. اهمیت به بخش ورزش و هنر و در نظر گرفتن سوبسید برای آن‌ها توسط دولت الزامیست. فضای مفهومی دچار تغییراتی شده است؛ باید آن را پذیرفت و به رسمیت شناخت.»

- **دبیر نشست:** «با توجه به راه حل‌های عنوان شده اعم از نگاه سیستماتیک، بحث سوبسید، حوزه‌هایی که دولت در آن‌ها هراسناک است و بحث تداخل نهادی، آیا نهادهای موجود کافی هستند؟ آیا نیازمند قانون جدید هستیم؟ طرحی در سال ۱۳۸۴ با عنوان «طرح ساماندهی اوقات فراغت» ایجاد شده بود که با روی کار آمدن دولت وقت منحل شد. نظیر طرح‌هایی که هر سال تابستان در دستور کار قرار می‌گیرد، عموماً سیاستگذاری‌هایی اتفاق می‌افتد که موقتی هستند. آیا نیازمند نهاد جدید هستیم یا همین نهادهای فعلی هم اختلال ایجاد می‌کند؟»

- **ذکایی:** «در اینجا همکاری بین بخشی اهمیت پیدا می‌کند. اضافه کردن بوروکراسی کمکی نمی‌کند. سازمان بسیج، سازمان تبلیغات و بقیه سازمان‌ها برنامه‌های نیمه کاره دارند و گاهی با این مشکل مواجه می‌شوند که دولت عوض می‌شود. پس باید یک تعهد الزام‌آور بین بخشی وجود داشته باشد. بحث تمرکز و اعتماد همواره به پیش می‌آید.»

- **دبیر نشست:** «ارزیابی شما از وضعیت سیاستگذاری اوقات فراغت در ایران چیست و اینکه اساساً به نظر شما فراغت تبدیل به مسئله در سیاستگذاری شده است یا خیر؟»

- **رحمانی:** «در ایران به این شکل هست که شما دائما گناهکار هستید. برای مثال زمانی که توریست به ایران می‌آید هدفش تنها دیدن آثار هنری نیست. گردشگر بعد از بازدید کردن از مکان‌های تاریخی و فرهنگی، قصد دارد شهر را بگردد. بنابراین نیاز به فضا و جا دارد؛ این فرد براساس فرهنگ خودش زندگی می‌کند. ما تا وقتی که لذت را محدود کنیم، در ساختار اجتماعی فراغت اختلال خواهیم داشت. فراغت فقط محدود به هنر نمی‌شود بلکه شامل خوراک، مراوده و تجربه‌های فرهنگی نیز هست. ما حتی در دانشگاه‌ها اردوی علمی نداریم. ما تجربه برگزار کردن اردو در دانشگاه شهید بهشتی را داشتیم که با موانعی همراه بود و در نهایت برگزار نشد.

بنیان فقهی فقط یک لذت خاص و محدودی را در برمی‌گیرد و بقیه لذت‌ها را محدود و سرکوب می‌کند. این سیستم، سیستمی نیست که بگذارد فرهنگ راحت کار کند. حکومت باید بپذیرد که فراغت فقط حوزه حلال آن نیست و آزادی‌های خودش را دارد.»

- **دبیر نشست:** «طبق صحبت شما مبنی بر مسئله عدم فهم سیاستگذار، چه راه‌حلهایی می‌توان اتخاذ کرد تا سیاستگذاری فراغت را در معنای مناسب و مطلوب آن داشته باشیم؟ ضمن صحبت‌ها تون ممنون می‌شوم از تجربه‌های خود در ایجاد فضای فراغتی "روشانو" برای کودکان بفرمایید؟ اساسا این ایده از کجا به وجود آمد و چه چالش‌هایی در این مسیر وجود داشت؟»

- **حسنلو:** «ما باید بدانیم که نظریه فرهنگی فقط با سیاستگذاری اتفاق نمی‌افتد و پذیرفتن چارچوب آن الزامیست. ما به نظریه فرهنگی احتیاج داریم و باید بستر اوقات فراغت را براساس آن بنا کنیم. در ساختار جمهوری اسلامی کار سیاستگذار، فهم نظریه فرهنگی است. ما باید یک اصول اخلاقی داشته باشیم چراکه ادعا کردیم حکومتمان براساس احکام و شریعت اسلامی است اما سیاستگذاری ما بر اساس یک درک ناقص از این دو است. لازم است که نظریه فرهنگی مبتنی بر فقه وجود داشته باشد و اگر این اتفاق بیفتد انتخاب‌های بیشتری، در زمینه زیست‌شبان، خواهیم داشت.

ما با بحران روایت مواجه هستیم. قضیه اوقات فراغت، اجتماع‌پایه است و موبایل نمی‌تواند مسئله اوقات فراغت را حل کند. باز طراحی فضای نوین اوقات فراغت جمعی الزامیست. باید فضاهای روایت‌محور و هویت‌محور را بازسازی کنیم. مسئله ما باز طراحی فضاهای اجتماعی براساس حضور خانواده‌ها بود به این صورت که محیط‌های اجتماعی مبتنی بر حضور خانواده بازطراحی شوند. این فضاها بعدها تبدیل به یک فضای اجتماعی با هویت تفریحاتی و سرزمینی شد. به طور کلی باید اجتماع در بازارها و محلات مجدد شکل بگیرند و زیرساخت‌های

روایت‌ساز گسترش یابند. به عنوان مثال تفاوت بوستان ولایت و آب و آتش در این است که عناصر روایی در بوستان آب و آتش رعایت شده است و همین باعث شده که جامعه بتواند اوقات فراغتش را در آنجا سپری کند. « در پایان از سخنرانان درخواست شد مطالبی را به عنوان جمع‌بندی ارائه دهند.

- **ذکایی:** «باید شکاف‌های اجتماعی که فراغت با آن‌ها مواجه است برطرف شود و تنوع و تکثر به رسمیت شناخته شود. نیاز است برنامه‌ها و مدل‌های متنوعی برای افراد مختلف داشته باشیم. الگوهای فرهنگی باید با دغدغه‌های فقهی هماهنگ باشند. باید سهل‌گیری سیاستگذار درباره موضوع فراغت رفع شود. از تجربه‌های سال‌های گذشته عبرت بگیریم. فراغت یک تجربه فردی نیست و دستاوردهای سیاسی و تمدنی دارد و می‌تواند یک هویت و قدرت نرم در جهان داشته باشد. ما باید یک ایران فرهنگی بسازیم و از پتانسیل‌های خود بهره ببریم؛ هم باعث فرح‌بخشی جامعه شویم و هم اقتصاد و صنعت را توسعه دهیم. همچنین ما به تخصص نیاز داریم. در بعضی نقاط جهان از ظرفیت فراغت استفاده‌های خوبی شده است؛ برای مثال کشور ترکیه»

- **رحمانی:** «جامعه متکثر است. نمی‌توان الگویی تعریف کرد که فراگیر باشد و تکثر و تنوع را نادیده بگیرد. فقه نشان داده است که نمی‌تواند الگوی فراگیری باشد چون براساس تبعیض‌های بنیادین است. باید به نمادهای فراگیر و جامعه متکثر امکان زیست بدهیم. باید سیستم فراگیر مبتنی بر تکثر را پذیرفت. جایی که جامعه می‌تواند در آن نمادها و خاطره‌های جمعی و ذخیره معنایی‌اش را تقویت کند، حوزه فراغت است. برای مثال اگر فردی اهل رمان باشد، یا اهل گردش باشد همه این‌ها در حوزه فراغت است. هنگامی که فراغت ما فراگیر است و تنوع در آن در نظر گرفته نمی‌شود، این مفهوم به معنای وقت تلف کردن تلقی می‌شود. نظریه فرهنگی فعلا در حال تخریب تنوع و تکثر موجود است. قدرت نرمی که در کشور شکل گرفته باید فراتر برود و همه جامعه را در بر بگیرد. اگر باز اندیشی نسبت به جامعه و جهان‌های متکثر رخ ندهد، جامعه به سمت تهی شدن می‌رود.»

- **حسنلو:** «دایره لغات ما کم است و این جای نگرانی دارد؛ در حالیکه در اتحادیه اروپا این تعداد بیشتر است. وقتی دایره لغات و ابزار سیاستگذار کاهش می‌یابد کشور با ضعف روبه‌رو خواهد بود. ما باید مبتنی بر یک ذهنیت بومی، دایره لغات و ابزار سیاستگذار را گسترش دهیم. ما در جامعه یک هسته منسجم سیاستگذار نداریم و وقتی این امر وجود نداشته باشد ما در مواجهه با هر رخداد بیرونی از روی ضعف عمل می‌کنیم. برای مثال در زبان فارسی کم بودن دایره لغات بحران است. بخش سپاری جواب نمی‌دهد. فرایند سیاستگذاری ما وقتی به نگاشت‌نهادی که هیچگاه انجام نمی‌شود، منجر می‌شود هیچ نتیجه‌ای در بر ندارد.»

**نازنین زهرا رستمی دانا**